

# ایران پایداری

نگامی به حماسه (واقعه) ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ در همدان

## ایستادگی بادست خالی در برابر لشکر زرهی



سیمه مظاهری خبرنگار

انقلاب اسلامی، انقلاب قلب‌ها و اندیشه‌ها بود. خورشیدی که چراغ حکومت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در پرتو آن رنگ باخت و استقلال و خودباوری را برای ایران به ارمان آورد. مبارزات انقلابی مردم بر ضد رژیم پهلوی که با روشنگری علمای برجسته و رهبری امام خمینی (ره) از سال ۱۳۴۲ آغاز شده بود از سال ۱۳۵۷ رنگ علنی به خود گرفت و فریاد اعتراض نسبت به شرایط نامناسب، دوری از فرهنگ اسلامی و گسترش فساد از گوشه گوشه کشور به گوش می‌رسید. این مبارزات در آذر ۱۳۵۷ با برپایی مجلس یادبود برای حجت‌الاسلام سیدمصطفی خمینی فرزند امام (ره) که به‌طور مشکوکی درگذشته بود، رنگ علنی به خود گرفت و تا بهمن همان سال هر روز پیرنگ‌تراز پیش شد. برگزاری مجلس چهلم برای سیدمصطفی در قم از طرف آیت‌الله مکارم شیرازی در ۹ آذر نقطه عطفی در تاریخ مبارزات انقلابی مردم ایران به شمار می‌رود و پس از آن نظیر این مراسم در فسنجان، شیراز، تهران، سمنان، کرمانشاه، آبادان، مشهد و شهر فریاد از استان همدان بر گزار شد. هر چند مبارزات انقلابی مردم ایران با ورود امام خمینی (ره) به وطن پس از سال‌ها تبعید، قدرت بیشتری به خود گرفت، اما اوج آن در ۲۲ بهمن بود؛ حرکتی که حکومت پهلوی قصد سرکوبی شدید آن را داشت. وقتی عوامل دست‌نشانده طاغوت، جایگاه خود را در آستانه سقوط دید و قدرت رویارویی با مردم را از دست داد تصمیم به مبارزه شدید با آنها گرفته و به جای استفاده از تیر و تفنگ به فکر لشکر زرهی افتاد. به دستور بختیار آخرین نخست‌وزیر حکومت پهلوی، لشکر زرهی کرمانشاه به سمت تهران حرکت کرد تا قیام مردمی ۲۲ بهمن را سرکوب کند. تانک‌ها در حال حرکت بوده و شهرها را یکی یکی پشت سر می‌گذاشتند تا اینکه به استان همدان رسیدند. در اسدآباد، مردم به سمت لشکر زرهی سنگ پرتاب کرده، اما کاری از پیش نبردند.

تا اینکه به نزدیکی شهر همدان رسیدند. به دستور آیت‌الله سیداسدالله مدنی، مجتهد مبارز که به همدان تبعید شده بود، مردم خود را به جاده کرمانشاه رسانده و در برابر تانک‌ها ایستادند. مردم مسافت ۵-۶ کیلومتری از ورودی شهر مریاج- جایی که نخستین جرقه مبارزات علنی گروه‌های انقلابی در آن رزه شد- تا چهارراه میدان بار و میانهای چراغ قرمز بر کف خیابان خوابیده و مانع حرکت لشکر زرهی شدند. سپس شهید مدنی با فرمانده ارتش گفت‌وگو کرده و او را به تسلیم دعوت کرد. نفس قدسی سید گارساز شده و فرمانده ارتش از حرکت به سمت تهران منصرف شد. تدبیر شهید مدنی به‌عنوان رهبر مبارزات انقلابی مردم استان همدان، کمک بزرگی به پیروزی انقلاب اسلامی کرده و از کشتار بزرگ در پایتخت جلوگیری کرد. شهید مدنی به کمک روحانیت مبارز همدان و جوانان انقلابی، واقعه مهمی را رقم زد که برای همیشه در تاریخ مبارزات انقلاب اسلامی ماندگار شده است.

■ **شهید مدنی بر قلب مردم حکومت می‌کرد**

حجت‌الاسلام سیدمحمد حسن فاضلیان از مبارزان انقلابی همدان و شاهد عینی این واقعه می‌گوید: «وقتی خبر پیشروی تانک‌ها به گوش امام (ره) رسید به شهید مدنی دستور دادند که مانع حرکت آنها شود. شهید مدنی هم به کمک نیروهای انقلابی بسرعت مردم را فراخوان کرد و خواست که به جاده کرمانشاه-همدان-تهران بروند. این شهید بزرگوار از دهه ۴۰ به همدان تبعید شده بود، اما در این دوران هم دست از مبارزه

برنداشته و در خفا گروه‌های انقلابی را در شهرهای مختلف پیوزه مرکز استان راه‌اندازی کرده بود. او ضمن مبارزه و رسیدگی به امور دینی مردم، کارهای عام‌المنفعه بزرگی را در همدان آغاز کرد که برکات آن باوجود گذشت بیش از نیم قرن از آن زمان تاکنون باقی مانده است. اخلاص، مردم‌داری، صداقت و وساخت مسجد، درمانگاه، مؤسسه قرض‌الحسنه و مرکز دارالایام، سید اسدالله مدنی را محبوب قلب مردم ساخته و همین که دستور ایستادگی در برابر لشکر زرهی را به آنها داد؛ بی‌درنگ عازم شدند. برخی بر کف زمین خوابیده و برخی با استفاده از تکه‌های بزرگ چوب، آهن و هر شیء دیگری که می‌شد به‌عنوان مانع از آن استفاده کرد؛ مسیر حرکت تانک‌ها را بستند. وقتی شهید مدنی رسید جمعیت زیادی در فاصله چهارراه میدان بار تا میدان چراغ قرمز جمع شده بود. او مردم را به آرامش و سکوت و پرهیز از درگیری با نیروهای ارتش دعوت کرد و خود به سمت فرمانده لشکر رفت. شهید مدنی با فرمانده ارتش صحبت کرد و ارتش را «برادر ملت»، خواند و از او خواست تا از حرکت صرف‌نظر کند. به لطف خداوند، چهره نورانی و صداقت کلام این مجتهد مبارز در قلب فرمانده لشکر اثر کرد و تسلیم شد. سپس مردم به دستور شهید مدنی، تجهیزات داخل تانک‌ها شامل مهمات و آذوقه را تخلیه کرده و حتی چراغ تانک‌ها را پیاده کردند. اسلحه را به آرامی از دست نیروهای ارتش گرفته و برادران ارتشی را بر سر خود نشانند. یادم هست آن روز حیاط منزل شهید مدنی پر از تجهیزات نظامی و اسلحه شده بود، حتی حیاط منزل پدرم آیت‌الله سید رضا فاضلیان از مبارزان انقلابی و دوست صمیمی شهید مدنی هم پر از وسایل جنگی بود. این واقعه ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ اتفاق افتاد و مردم همدان و شهرها و روستاهای اطراف با اینا جان و ایستادگی در برابر لشکر زرهی نگذاشتند قیام مردمی ۲۲ بهمن در تهران به خاک و خون کشیده شود.»

■ **تشییع سلمان انقلاب، نقطه عطف مبارزات در همدان**
رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی در استان همدان، رمز موفقیت شهید مدنی را در مردم‌داری دانسته و می‌افزاید: «این روحانی مبارز بر قلب‌های مردم حکومت می‌کرد و با دست خالی و همراهی آنها توانست در برابر لشکر مسلح ایستد. شهید مدنی فردی اجتماعی بود و به تأمین معیشت مردم و رفاه آنها اهمیت بسیاری می‌داد. به همین دلیل مراکز خیریه مهمی را در همدان بنا نهاده و نام همگی را «مهدیه» نهاد و مسجدی را هم با همین نام در همدان به کمک خیران ساخت تا ضمن کمک به قشرهای مستضعف با فرقه انحرافی بهائیت مبارزه کند. حضور روحانیت آگاه، برجسته و مبارز در همدان مانند شهید مدنی و آیت‌الله آخوند ملاعلی معصومی و قسی همدانی جریان مبارزات انقلابی را در همدان به پیش برد و این افراد در دوران خفقان رژیم طاغوت با روش‌های متعدد و به آرامی به روشنگری پرداختند. مرحوم آخوند از شخصیت‌های علمی برجسته و یار دیرین امام خمینی (ره) بود که در خفا به مبارزه با رژیم پهلوی برخاسته و امام (ره) در نامه‌ای، او را «سلمان» خطاب کرده است. برکت حضور این روحانی مردمی سبب شد تا مراسم تشییع پیکرش به تظاهرات مردمی ضد رژیم تبدیل شود و در واقع اولین تظاهرات انقلابی شاخص در همدان، همین مراسم بود. مرحوم آخوند ملاعلی معصومی مرداد ۱۳۵۷ بر اثر بیماری درگذشت و مراسم تشییع باشکوهی برای او برگزار شد. مردم پیکر این فقیه والا مقام را از مسجد جامع تا میدان مرکزی شهر تشییع کردند. در میدان یک‌باره رنگ مراسم تغییر کرده و شعارهای ضد رژیم از بین جمعیت طنین‌انداز شد. برخی هم‌زمان با سر دادن شعار، شیشه برخی مراکز چون

سینما «تاج» و چند مشروب‌فروشی را با پرتاب سنگ شکستند. سپس مردم پیکر مرحوم آخوند را تا باغ بهشت همدان که مسافت زیادی با مرکز شهر فاصله داشت تشییع کرده و در طول مسیر شعارهای انقلابی سر می‌دادند. مأموران شهرداری به سمت مردم تیراندازی کرده و بر اثر این کار، تعدادی از تشییع‌کنندگان مجروح شده و تعدادی هم به شهادت رسیدند. مراسم تشییع آیت‌الله آخوند، نقطه عطفی در تاریخ مبارزات انقلابی همدان به شمار می‌رود و نفرت مردم از رژیم طاغوت را به روشنی نشان داد.»

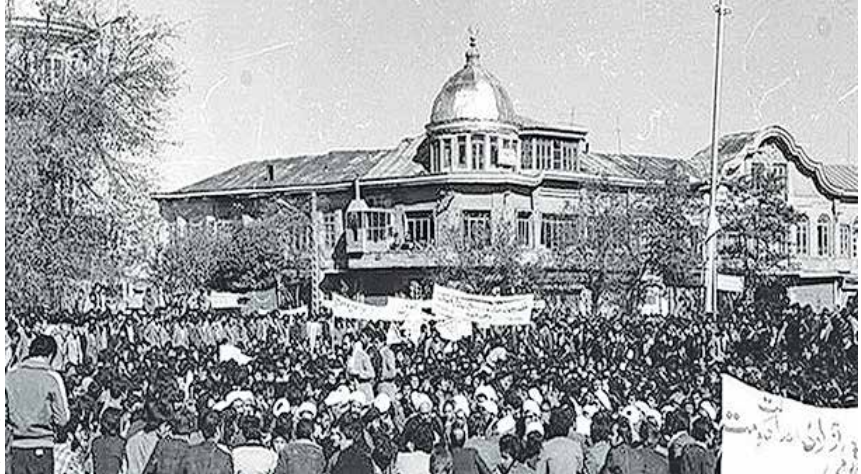
■ **خروش دانش آموزان و پایین آوردن مجسمه شاه**

استان همدان با برخورداری از ظرفیت‌های بالقوه چون نزدیکی به پایتخت و شهر مقدس قم، وجود روحانیت مبارز و نیروهای برجسته انقلابی چون سردار شهید علی اکبر یارمحمدی (شهادت در غائله کردستان سال ۱۳۵۹) به پایگاه مبارزات انقلابی در غرب کشور تبدیل شده بود. علی اکبر معروف به «شیخ اکبر»، متولد شهر مریاج و یار دیرین شهید مدنی بود و با اینکه بارها به وسیله نیروهای ساواک دستگیر شده بود؛ دست از فعالیت بر نمی‌داشت و گروه‌های انقلابی را در شهرستان‌های مختلف استان همدان راه‌اندازی کرد. گروه‌هایی چون طلاب، بازاریان و معلمان در بیداری مردم و پیش‌انگامی‌های امام (ره) نقش مهمی داشتند. از معلمان مبارز که نقش مهمی در مبارزات انقلابی داشت؛ شهید محمد طالبیان است که گروه «ابوذر» را در نهایند تشکیل داد. این گروه فعالیت‌های خود را با تشکیل انجمن ضد بهائیت در سال ۱۳۴۹ آغاز کرده و سپس مدرسه‌ای اسلامی با نام «مهدیه» در نهایند راه‌اندازی کرد. مبارزه با فعالیت‌های ضد اسلام، برنامه اصلی گروه ابوذر بود تا اینکه تیر ۱۳۵۲ پنج نفر از اعضای این گروه در عملیاتی ناموفق دستگیر و ۳۰ بهمن همان سال در میدان «چینگر» تهران تیرباران شدند. محمد طالبیان (شهادت فروردین ۱۳۷۰ در حمله به پایگاه منافقان منطقه خاقین عراق)، مؤسس گروه ابوذر نهایند هم دستگیر و به ۱۵ سال زندان محکوم شد. او معلمی آگاه بود که در مقطعی هم سلولوی رهبر معظم انقلاب بوده و ایشان به نیکی از او یاد کرده‌اند. وقایع دیگری چون تظاهرات دانش آموزان سه دبیرستان و همراهی مردم در ۳ مهر ۱۳۵۷ و آتش زدن سینما «رکس» از صحنه‌های مهم حضور مردم در مبارزه با طاغوت بود و با شهادت ۳ نفر خیابان شورین به شهدا تغییر نام یافت. با اوگیری مبارزات انقلابی در بهمن، مردم در شهرهای



مرکز ایستاد و کتیبه‌خانه ملی منطقه غرب کشور (همدان)

مختلف ایران به پاخاسته و حرکت‌های اعتراضی چون حمله به مراکز گسترش فساد پایابین آوردن مجسمه شاه از میدان‌ها را آغاز کردند. اولین شهر در کشور که مجسمه شاه را پایین نهایند بود و مردم انقلابی این شهر ۱۵ آبان ۱۳۵۷ مجسمه را پایین آوردند و در همین روز، پرچم رژیم پهلوی در پایگاه سوم شاهرخی کبود آهنگ که حالا «شهید نوژه» نام دارد به آتش کشیده شد. تظاهرات هم‌افران و کارکنان پایگاه شاهرخی متأثر از قیام مردمی ۵ آبان در کبود آهنگ بود. چهارم آبان تعدادی از دانش‌آموزان در جشن سالروز تولد شاه، شعار «مرگ بر شاه» سر دادند و فرمایش مردم با تجمع در میدان اصلی شهر به تظاهرات پرداختند. پاسخ مأموران شهرداری به فریاد اعتراض مردم، گلوله بود که بر اثر آن ۵ نفر به شهادت رسیده و تعدادی زخمی شدند. رضا معصومی، خبرنگار کبود آهنگی که کمتر از ۱۸ سال داشت، خبر و عکس این ماجرا را برای مطبوعات و صداوسیما مخابره کرد؛ خبری که به گوش امام (ره) در روستای «نوقل لوشاتو» پاریس رسید و نسبت به آن واکنش نشان دادند. در ملایر هم مرحوم آیت‌الله «سید محمد میرشاه‌ولد» بر خلاف دستور غلامرضا اهاراری، نخست‌وزیر وقت رژیم پهلوی مبنی بر تعطیلی مساجد در ماه محرم، اقدام به برپایی مجلس روضه و اقامه نماز مغرب و عشاء، در مسجد «حسب خانی» کرده بود. حتی یکی از شب‌ها وقتی مأموران شهرداری اجازه اقامه نماز به او نمی‌دهند با نمازگزاران به خیابان رفته و رویه قبله می‌ایستد تا اقامه نماز کند. این حرکت سبب خشم مأموران شده و به سمت مردم حمله‌ور شدند و آیت‌الله میر شاه ولد را مورد ضرب و شتم قرار دادند که بر اثر شدت ضربه‌های وارد شده از هوش رفت. وجود ظرفیت‌هایی چون ماهواره شهر اسدآباد سبب شد که مردم بتوانند صحنه ورود امام (ره) به وطن را به‌طور کامل مشاهده کنند. تصاویر به وسیله کارکنان مرکز «مایکروبو» برای تلویزیون «ای سی سی» آمریکا مخابره شد و مردم استان همدان توانستند صحنه ماندگار انقلاب را به‌طور زنده تماشا کنند. همچنین شمار زیادی از مردم همدان در قالب ۶۶ دستگه مینی بوس و اتوبوس برای استقبال از امام (ره) به تهران رفتند تا جایی که مرحوم حاج محمود دادفرما از مبارزان انقلابی برجسته در خاطرات خود بیان کرده که در تهران به ما گفتند: «آیا در همدان کسی باقی مانده است؟» و این نشانگر حضور چشمگیر مردم همدان در مراسم استقبال از بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی بوده است.



مرکز ایستاد و کتیبه‌خانه ملی منطقه غرب کشور (همدان)

یادی از شهید عزت الملوک کاووسی دانشجوی پزشکی دانشگاه تهران که ۲۲ بهمن به شهادت رسید

### آرمان‌گرایی که به هدفش رسید

◀ | صفحه ۲۷



گفت‌وگو با سرگرد غلامعلی آسترکی یکی از باسابقه‌ترین مبارزان انقلابی نیروی هوایی ارتش

#### اسارت و آزادی غریبانه

◀ | صفحه ۲۷



#### فرماندهان انقلابی

#### حماسه‌سازان دفاع ۸ ساله

◀ | صفحه ۲۸

#### سلوک عاشقانه جوانان

#### بر مدار امام



حسین رسولی

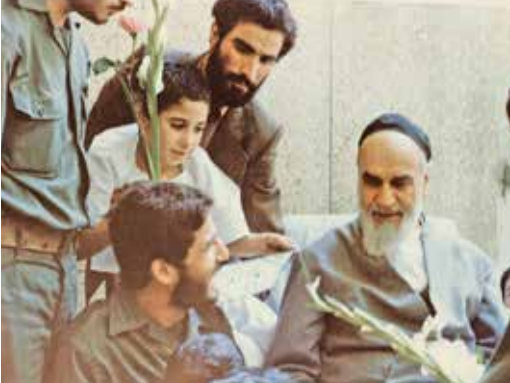
استاد دانشگاه

امام خمینی (ره) علاوه بر پیشینه درخشان و بهره‌مند از شجره‌ای طیبه، از بدو تولد و طی مدارج علمی از عنایت خاص الهی برخوردار و در سیر و سلوک عرفانی و بینش سیاسی زیانزد بود. از جمله ویژگی‌های ایشان قابلیت رابطه خاص با رزمندگان، خانواده شهدا، جانبازان و ایثارگران بود. این رابطه در نتیجه ایمان مؤمنانه، صداقت در بیان و عمل امام امت (ره) و ریشه در نجابت و اصالت خانوادگی داشت. این بود که او را در قلوب مجاهدان و مبارزان در عرصه‌های مختلف جای داد.

بیان ساده امام خمینی (ره) مانند معجزه‌ای در دل رزمندگان می‌نشست، به گونه‌ای که با یک جمله که می‌فرمود: «من از جوانان می‌خواهم جبهه‌ها را پر کنند.» آحاد مردم و جوانان به جبهه‌ها هجوم می‌آوردند. گرچه این مفهوم برای کسانی که روزهای جنگ را ندیده‌اند، قابلیت درک ندارد. مانند واقعه‌ای که کسی در آن حضور داشته و نقش آفرینی کرده و فیلمی که از آن ساخته شود و نمایش دهند. به قول خودمان «شنیدن کی بود مانند دیدن».

اوایل انقلاب عده‌ای شعار انحلال ارتش را سردادند. امام خیلی قاطع از ارتش حمایت کردند و این باعث عشق ارتشیان به ایشان شد. سپاه که تشکیل شد از سپاه حمایت همه‌جانبه کردند، حتی فرمودند: «ای کاش یک پاسدار بودم.» آتش عشق پاسداران به امام تا به آسمان شعله کشید و پس از اشغال لانه جاسوسی بلافاصله «۲۲ روز» بعد فرمان تشکیل بسیج را دادند و این شجره طوبی پایه‌گذاری شد. اینها همه از یک معرفت لایزال الهی سرچشمه می‌گرفت که تا پایان جنگ تحمیلی هر روز بارورتر می‌شد و امروز نه تنها کمربند نشده بلکه عمیق‌تر از قبل و زیباتر از قبل گسترش هم یافته و به خارج از مرزهای ایران انتشار یافته است و هیچ قدرتی نمی‌تواند از آن جلوگیری کند، چرا که مشیت الهی است.

مهیا شدن جوانان به فرمان امام که فرمود: «مهیا شوید، همان طوری که با این مهیا شدن بترسند آنهایی که خیال हमجه دارند. دشمنان بترسند



از قوه شما.» که این طور هم شد. امروز پس از گذشت بیش از ۳۰ سال از پایان جنگ تحمیلی یکی از مؤلفه‌های ترس دشمن همان مهیا شدن آن ایام بود که هنوز هم ادامه دارد و به طور واقعی کشور را بیمه کرده است. وقتی قدرت لایزال الهی پشتیبان مردمی باشد که در راه دفاع از حقیقت جان به کف آماده باشند، کدام قدرت توان رویارویی با آنان را دارد. جوانان در آن دوره که هنوز هم ادامه دارد با درک صحیح اطاعت خالصانه و عاشقانه از امام (ره) تمام نقشه‌های شوم دشمنان را خنثی کردند و همه افکار مختلف پس از این اطاعت با وحدت درونی خود دژ محکم از انقلاب را در مقابل ملاقات چند دقیقه‌ای با امام انجام دهند. این «اطاعت و وحدت» و این مربوط به همه دوره‌هاست.

بیداری که امام خمینی (ره) به وجود آورد، از جوانان عناصر ستوهی ساخت و با ایجاد ارتباط بسیار نزدیک با جوانان شور و شغف و صفت‌ناپذیری میان آنان به‌وجود آورد. آنان حاضر بودند سخت‌ترین عملیات‌ها را در مقابل ملاقات چند دقیقه‌ای با امام انجام دهند. این ارتباط صمیمی و عاشقانه برخاسته از روح ایمان متقابل امام و رزمندگان داشت.

دیدار امام، پیام امام، عکس امام، سخنان امام، یاد امام، عشق به امام، اطاعت امام در رزمندگان قدرت مضاعف ایجاد می‌کرد. حتی گاهی کسانی که به دست دشمن اسیر می‌شدند در آن لحظات سخت هیچ گاه از اظهار علاقه و ارادت به امام دریغ نکردند.

هر عملیاتی که انجام می‌شد امام پیامی صادر می‌کرد و از رزمندگان تشکر می‌نمود و الفاظی را به کار می‌برد که آه از نهاد جوانان بلند می‌شد و اشک می‌ریختند. از جمله هنگامی که فرمود: «من دست و بازوی شما را می‌بوسم.»

امام در یکی از پیام‌های خود که جوهره و باطن آن ناظر بر ایمان توحیدی ایشان است، فرمود: «آنچه برای اینجانب غرور‌انگیز و افتخار آفرین است روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روحیه شهادت طلبی این عزیزان که سربازان حقیقی ولی‌الله اعظم ارواحانه فداه هستند، است و این فتح‌الفتوح است.» جا دارد بیانات امام در رابطه با رزمندگان اسلام را مجدداً مرور کنیم. آنگاه نتیجه و ثمره دفاع مقدس را فراتر از پیروزی‌های ظاهری دریافت و به رمز آن بی‌خواهیم برد. همان‌طور که گفته‌اند: «رمز عاشورا در ریاضت که رمز عاشورا امام حسین علیه السلام است.» رمز دفاع مقدس ما شهدا و امام هستند باید آنها را دریابیم.